

بررسی جنبش‌های بیداری اسلامی با رویکرد آسیب شناسانه

اعظم محمودی^۱

چکیده

تاریخ تمدن اسلامی از آغاز تا کنون شاهد افت و خیزهای بسیاری بوده که می‌توان از «بیداری اسلامی» به عنوان مهم‌ترین آن‌ها یاد کرد. این جریان حادثه‌ای بریده از تاریخ تحولات جهان اسلام نیست و پیوندی تکاملی با آن تحولات دارد و می‌توان نقطه عطف آن را جنبش‌های صدر اسلام به ویژه نهضت عاشورا دانست که تقابل رهبری دینی با امارت دنیوی را به نمایش گذاشت. بیداری اسلامی در عصر حاضر به دو قرن پیش باز می‌گردد و در ابتدا محدود به مناطق خاصی بود ولی بعد از چند دهه سراسر دنیای اسلام را فراگرفت. این پژوهش سعی دارد با رویکردی آسیب شناسانه، موانعی را که منجر به عدم تحقق اهداف این جریان می‌شود معرفی کرده و گامی در جهت ممانعت از بازگشت و تداوم سلطه بیگانگان بردارد. روش پژوهش در مقاله، توصیفی و شیوه تحلیل اطلاعات، کیفی می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد آسیب‌ها می‌تواند هم از درون و هم از بیرون، بیداری اسلامی را مورد مخاطره قرار دهد. واژگان کلیدی: تمدن اسلامی، جنبش‌های اسلامی، بیداری اسلامی، آسیب شناسی

۱. طرح مسئله

به گفته دکمیجان جنبش‌های اسلامی پدیده‌ای دوره‌ای هستند و در طول تاریخ جوامع مسلمان در شرایطی ظهور می‌کنند که جامعه اسلامی گرفتار بحرانی گسترده شود. (محمدی، ۱۳۹۳: ۱۰۸)

بررسی دوره‌های تاریخ تمدن اسلامی، بیانگر آن است که در دین اسلام ظرفیتی بالقوه وجود دارد تا هرگاه مخاطره‌ای آن را تهدید نماید، و یا هر کجا احساس شود که اصول و مبانی این دین مخدوش شده و مورد اهمال قرار گرفته است از درون دست به احیا و بازسازی زده و همچون موجودی زنده که پیوسته در حال رشد و نمو و ترمیم گسست هاست، خیزشی صورت پذیرفته تا جامعه را به اسلام، با همه جامعیت و همه ابعادش بازگرداند، و از این خیزش به «بیداری اسلامی» تعبیر می‌شود.

دکتر علی اکبر ولایتی در باره این ویژگی چنین می‌گوید: «بررسی تاریخ اسلام نشان می‌دهد که فرهنگ و تمدن اسلامی مسیری مضبوط و دقیق دارد و بر پایه منطقی قابل درک و بیان شدنی شکل گرفته که احتمالاً تبلور همان فلسفه تاریخ است که تاریخ تکرار می‌شود و اگر منحنی آن را رسم کنیم، شاید در چند سده و چند هزاره به نقاط مشابه و تقریباً قابل انطباق برسیم». (ولایتی، ۱۳۸۲، ج ۱: مقدمه)

می‌توان گفت این خیزش و بیداری اسلامی تجلی ایستادگی اسلام در برابر سلطه طلبی و سیاست زدگی اشرافیت و امارت دنیوی، و اثبات توانایی آن برای پاسخگویی به تمامی نیازهای بشری، و حل چالش‌های زندگی اجتماعی بشر است.

اما ریشه‌های حرکت بیداری اسلامی در عصر حاضر، حدوداً به دو قرن پیش باز می‌گردد؛ در ابتدا این حرکت به کشورهای معدودی مانند ایران، برخی کشورهای عربی مانند مصر و شام، ترکیه عثمانی و هند منحصر بود ولی با گذشت چند دهه، دامنه آن به سراسر دنیای اسلام، و حتی اقلیت‌های مسلمان در کشورهای غیر اسلامی کشیده شد.

در واقع می‌توان زمانی را که سرزمین‌های اسلامی و شرقی مورد تهاجم نظامی و فرهنگی مغرب زمین قرار گرفته و تحت سلطه استعمار درآمدند را سرآغاز بیداری مردم مسلمان و ملت‌های مشرق زمین دانست.

شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران بر مبنای اندیشه سیاسی تشیع را می‌توان نقطه اوج این

بیداری دانست، که امام خمینی (ره) با الهام از آموزه‌های نهضت عاشورا و با احیای نظریه «ولایت فقیه» و سیاست استکبارستیزی، رهبری و هدایت آن را به دوش گرفت و پس از ایشان، حضرت آیت الله خامنه‌ای، با طرح مبانی نظری و دیدگاه‌های نوینی مانند جنبش نرم‌افزاری و تولید علم و... آن را پی گرفته و در تعمیق و سرعت بخشی به این جریان در جهان اسلام، نقشی بسزا ایفا نموده‌اند. بدین ترتیب جنبش‌های بیداری اسلامی تحت تأثیر انقلاب ایران و ایدئولوژی اسلامی می‌توانند به افزایش حاکمیت هویت‌های مذهبی در خاورمیانه منجر شوند. (Nord Land & Kirk Patrick, 2011: 8)

بنابراین بیداری اسلامی حاصل عناصر چندگانه تاریخی، مذهبی، اقتصادی و سیاسی، در طی یک فرایند طولانی است. هرچند در سال‌های اخیر، بیداری اسلامی به سلسله حوادثی اطلاق شده است که از دسامبر ۲۰۱۰ با خودسوزی یک جوان تونسی به نام محمد بوعزیزی آغاز شد. بر اثر این حادثه در طی فقط چند هفته، رژیم‌های به ظاهر غیرقابل تسخیر عرب متزلزل شدند (آلترمن، ۱۳۹۵: ۲۱) و حکومت‌های عربی تونس، مصر، لیبی و یمن به سرنگونی رسیدند. و پس از آن این خیزش با رخداد‌های جهان عرب و تحولات کشورهای اردن، بحرین، شرق عربستان، عراق و سوریه ادامه یافت و اکنون نیز در حال جریان است و فارغ از اختلاف‌های موجود در منشأ و شکل تحولات یاد شده در هر یک از این کشورها، تأثیرات عمیقی را بر سیاست داخلی و خارجی خود و نیز نظام بین الملل بر جای گذاشته است.

مقام معظم رهبری در باره تأثیرات این تحولات می‌فرماید: «بیداری اسلامی محاسبات استکباری را به هم ریخته و معادلات جهانی مطلوب مستکبران را تغییر داده است. از سوی دیگر، پیدایش و رشد اندیشه‌های نوین اسلامی در چهارچوب مبانی و اصول اسلام و نوآوری در عرصه سیاست و علم، بالندگی و پویایی مکتب اسلام را در عمل به اثبات رسانده و میدانی وسیع در برابر متفکران و روشن بینان جهان اسلام گشوده است. استعمارگران دیروز و مستکبران امروز که با سیاست‌های مکارانه خود می‌خواستند جوامع اسلامی را در تعارض دائمی میان جمود و تحجر از سویی و خودباختگی و التقاطی‌گری از سوی دیگر سرگردان کنند، اکنون خود را در برابر پویایی دلیرانه فکر اسلامی می‌بینند». (بیانات رهبری در پیام به کنگره حج در تاریخ ۱۳۸۲/۱۱/۸)

بیداری اسلامی، از ابتدا تا کنون، عظیم‌ترین و گسترده‌ترین پدیده سیاسی - اجتماعی جهان

اسلام بوده است که متأثر از فرهنگ استکبارستیزی اسلام، و در پرتو اعتقاد و باوری عمیق نسبت به ایستادگی در برابر نفوذ استبداد، به نقش آفرینی بسیار مهمی نایل شده و به رغم تلاش‌های انکارآمیز، به حقیقتی روشن با نتایجی شگفت‌انگیز در عرصه سیاست و اجتماع تبدیل شده است. نتیجه این رویارویی و تقابل آن است که پیوسته گروهی به انگیزه‌های اسلام‌ستیزانه، سعی در بیرون راندن «اسلام» از معادلات قدرت و سیاست در سطح منطقه و بین‌الملل داشته و در قالب راهبردهای گوناگون، مانند برگزاری نشست‌ها، کنفرانس‌ها، سمینارهای علمی، مصاحبه‌ها و...، با به کارگیری تمام توان تبلیغاتی، رسانه‌ای، فرهنگی، سیاسی و نظامی؛ اقدام به بررسی و تحلیل این پدیده، و یافتن راه‌های مقابله و نابودی و یا به انزوا کشیدن این موج نمایند.

بنابراین یکی از مسائل بسیار مهم در خصوص بیداری اسلامی، شناخت آسیب‌ها و آفت‌هایی است که گریبانگیر این پدیده می‌شود. پژوهش پیش رو تلاش دارد انواع آسیب‌هایی را که قیام‌های حق‌طلبانه مردم مسلمان و بیداری اسلامی را تهدید کرده و یا مورد مخاطره قرار داده است باز شناسی و معرفی نماید.

آسیب شناسی جریان بیداری اسلامی از گذشته تا کنون و شناخت چالش‌های پیش روی آن و نیز شناخت راهبردهای دشمنان به منظور بی‌اثرکردن این جریان، موجب خواهد شد تا ضمن عبرت‌گرفتن از تاریخ و به کار بستن تجارب پیشگامان بیداری اسلامی، نظام برخاسته از آن در کشورهای اسلامی، بتواند با توانایی بیشتر مانع از سرگیری سلطه استکبار شود.

علاوه بر مسأله فوق، پاسخگویی به سوالات فرعی زیر نیز از اهداف این نوشتار است:

- بیداری اسلامی در عصر کنونی چه ارتباطی با تحولات جهان اسلام در طول تاریخ دارد؟
 - مهم‌ترین علل درونی و بیرونی شکل‌گیری بیداری اسلامی در عصر حاضر چیست؟
 - وقوع انقلاب اسلامی ایران چه نقشی در ایجاد و استمرار جریان بیداری اسلامی در عصر حاضر داشته است؟
 - بهترین و مؤثرترین راه‌های برون رفت از چالش‌ها و آسیب‌ها بیداری اسلامی چیست؟
- روش پژوهش در این مقاله، توصیفی و مبتنی بر مطالعه اسنادی، و شیوه‌ی تحلیل اطلاعات، کیفی می‌باشد.

۲. نگاهی اجمالی به دوره‌های فرهنگ و تمدن اسلامی

نگاهی به دوره‌های گوناگون فرهنگ و تمدن اسلامی نشان می‌دهد آن‌چه که امروزه از آن به «بیداری اسلامی» یاد می‌شود تاریخ پرفراز و نشیبی را طی کرده تا بدین مرحله رسیده است.

این تاریخ با دعوت پیامبر مکرم اسلام (ص) در مکه آغاز شد و با تشکیل حکومت اسلامی در یثرب که بعدها مدینه النبی نام گرفت، ادامه یافت. سپس مسلمانان به دستور نبی اکرم (ص) به دعوت و گسترش دین اسلام در جزیره العرب و جهان متمدن آن روزگاران یعنی کشورهای چون ایران، روم، مصر، ماوراءالنهر، چین و ماچین و ... پرداختند.

آنگاه در اثر مجاورت با تمدن‌های کهن جهان، دست به تلاش و کوشش برای شناخت و انتقال آن تمدن‌ها به حوزه تمدن اسلامی زدند و پس از آن، دوره شکوفایی و بالندگی تمدن اسلامی فرارسید و در عرصه‌های گوناگون علمی، هنری و عرفانی، فرهنگ و تمدن عمیق اسلامی به ثبات و استحکام لازم دست یافت. اما دو حمله بزرگ و طولانی صلیبیان از غرب و مغول از شرق، آثار ویرانگری را بر پیکره اسلام وارد کرد. صلیبیان آثار فرهنگ و تمدن اسلامی را در مصر و شامات به نابودی کشیدند و مغولان آن‌چه را که مسلمانان در ماوراءالنهر، خراسان و عراق بر جا نهاده بودند ویران کردند و روح ناامیدی و رکود را برای آنان به ارمغان آوردند.

اما با شکست نهایی صلیبیان در شام و فلسطین به دست صلاح الدین ایوبی (۱۱۸۷م/۵۸۳ق) و شکست مغولان در عین جالوت به دست ممالیک مصر (۱۲۶۰م)، یک بار دیگر خیزشی در جهان اسلام درگرفت و روحی جدید در کالبد اسلام دمیده شد.

آغاز دومین دوره رکود تمدن اسلامی همزمان با رنسانس اروپا در قرن پانزدهم میلادی رقم خورد و با هجوم فکری و فرهنگی استعمار و سلطه غرب بر سرزمین‌های اسلامی در قرن نوزدهم میلادی به نقطه اوج خود رسید و مسلمانان را به دوران جاهلی جدیدی سوق داد. (ر.ک: محمدی، ۱۳۹۳: ۱۱۴-۱۰۹)

از این پس جریاناتی در جهان اسلام به وقوع پیوست که تفسیر روشنی از تفکر عدالت خواه و حق‌گرا در برابر تفکر دنیا مدار و سلطه جو بوده و رویارویی ستم‌دیدگان را با نظام سلطه و استبداد به نمایش گذاشت که از آن به بیداری اسلامی در عصر جدید یاد می‌شود.

۳. بیداری اسلامی در عصر حاضر و علل وقوع آن

گرچه امواج بیداری اسلامی در عصر حاضر سراسر کشورهای اسلامی و شرقی را فراگرفته است و حتی دامنه آن به اقلیت‌های مسلمان که در کشورهای غیر اسلامی زندگی می‌کنند نیز کشیده شده است، اما خاستگاه اصلی آن را باید به چهار سرزمین یعنی ایران، جهان عرب (عمدتاً مصر و شام)، ترکیه عثمانی و هند نسبت داد. (ولایتی، ۱۳۹۰: ۱۴-۱۳) ریشه این حرکت در این سرزمین‌ها حدوداً به دو قرن پیش باز می‌گردد که هر یک از آن‌ها مورد تهاجم نظامی و فرهنگی غرب قرار گرفته و تحت سیطره استعمار درآمدند.

رکود حاصله از این تهاجم بسی جدی تر و اساسی تر از رکودی بود که در قرون پیشین، سرزمین‌های اسلامی در جنگ‌های صلیبی و حملات مغول با آن مواجه شده بودند. در آن زمان، اگر چه مهاجمان از لحاظ نظامی ظفر یافتند ولی در عرصه فرهنگی مغلوب مسلمانان شده بودند. در حالی که در این دوره رکود، علاوه بر سلطه نظامی و سیاسی استکبار، غلبه فرهنگی مهاجمان موجب شد تا سرزمین‌های اسلامی دچار استحاله فرهنگی شوند. تکنولوژی، نظم و پیشرفت تکنیک و علم نزد مهاجمان؛ فرهنگ بی دینی را با خود به همراه آورد و این موضوع باعث خود باختگی و احساس بی هویتی در افراد بسیاری شد، تا آنجا که در باور آنان نسبت به اسلام و جامعیت و توانایی آن در فراهم آوردن سعادت بشری تزلزل بوجود آمد. این موضوع پس از چندی، مانند یک شوک عصبی، جهان اسلام را به خود آورد و موجب پدید آمدن امواجی شد که بعدها از آن به بیداری اسلامی تعبیر می‌کنیم.

این بیداری با دعوت از مردم توسط برخی از اندیشمندان اسلام آغاز شد. افرادی چون سید جمال الدین اسدآبادی، شیخ محمد عبده، شیخ فضل الله نوری، عبدالرحمان کواکبی، علامه اقبال لاهوری، سید حسن مدرس، حسن البنا، سید قطب، ابو الاعلا مودودی و سرانجام امام خمینی (ره)، مردم را به احیای اسلام و ارزش‌های دینی فرا خواندند و مردم نیز این دعوت را پذیرفته و نهضتی فراگیر را رقم زدند.

پس از آن، تلاش‌هایی در عرصه نظری و عملی برای تشکیل حکومت اسلامی صورت گرفت و این تلاش‌ها در میان اهل سنت و شیعه نزدیک به صد سال ادامه یافت، که گاهی همراه با موفقیت‌های نسبی بود و گاهی موفقیتی قطعی به همراه داشت و ما به عنوان نمونه می‌توانیم از تشکیل حکومت جمهوری اسلامی ایران، بعد از انقلاب سال ۱۳۵۷ یاد کنیم.

در مراحل بعدی، جریان بیداری اسلامی سعی در گسترش اسلام در سراسر جهان و تجدید بنای فرهنگ و تمدن اسلامی و اثبات توانایی خود مبنی بر پاسخگویی به تمامی نیازهای فردی و اجتماعی بشر را داشته است. به طوری که ملاحظه می‌شود اکنون اسلام با سرعتی مهارنشدنی در امریکا، اروپا و آفریقا رو به گسترش است و در سایه این بیداری، ارزش‌های غیر اسلامی برای توده‌های مسلمان رنگ باخته است و با تکیه به فرهنگ و تمدن غنی اسلام، شاهد پیشرفت‌های گسترده در عرصه فناوری و تولید علم و ادب و فرهنگ، سیاست و اقتصاد می‌باشیم. (ر.ک: ولایتی، ۱۳۸۲، ج ۱، مقدمه)

در کنار رخدادهایی مانند فروپاشی امپراتوری عثمانی، تأسیس رژیم صهیونیستی، پیروزی انقلاب اسلامی ایران و نهایتاً حادثه ۱۱ سپتامبر، باید خودسوزی یک جوان تحصیل کرده تونسی را در اواخر سال ۲۰۱۰، به نشان اعتراض به ماهیت دیکتاتوری حکومت وقت، نقطه عطفی در تاریخ پرفراز و نشیب خاورمیانه و شمال آفریقا به حساب آوریم که موجب شد موج اعتراض در برابر حکومت‌های دیکتاتوری و وابسته به استکبار، به سرعت به دیگر کشورها سرایت کرد. این جریان، زمینه را برای جنبش‌های اسلامی فراهم نمود و آن‌ها توانستند اثرات چشمگیری را در اوضاع داخلی کشورها و نیز در عرصه جهان اسلام و بین الملل برجای گذارند.

وقوع بیداری اسلامی در هر یک از این کشورها، با توجه به شکل حکومت‌ها و اوضاع سیاسی، فرهنگی، اجتماعی شان، ناشی از عوامل مختلف می‌باشد.

دکتر علوان به طور کلی سه عامل را در شکل‌گیری و پیشرفت بیداری اسلامی مؤثر می‌داند: ۱. عامل دعوت و بصیرت‌افزایی از جانب جماعات و دسته‌های اسلامی؛ ۲. عامل فکری و قلم اندیشمندان؛ ۳. عامل روحی و انگیزه‌های ایمانی، وجدانی و عقلانی نسل مسلمان. (ر.ک: علوان، ۱۴۲۲، ۱۲-۷)

اخوان کاظمی با تأکید بر نظرات مقام معظم رهبری، عوامل شکل‌گیری بیداری اسلامی را به دو دسته علل درون‌زا و علل بیرون‌زا تقسیم کرده است. (اخوان کاظمی و مشتاقی، ۱۳۹۲، ۶۱-۳۱)

منظور از علل درون‌زا، عواملی است که با فرد انسانی، خود و ناخودآگاه انسان مسلمان در ارتباط بوده و طی فرایندی از نسل‌های گذشته به او منتقل شده است و ماهیت به وجود آمدن (مثل وقوع یک انقلاب) را ندارد، بلکه از انباشت اندیشه‌ها، خاطرات تاریخی، هویت‌ها و

آرمان‌ها تشکیل می‌شود و مراد از عوامل برون‌زا نیز حوادثی هستند که از خارج از فرد و اندیشه او نشأت می‌گیرد و یک حادثه مشخص می‌تواند آن را ایجاد کند. (همان: ۳۲)

۳-۱. علل درونزای بیداری اسلامی

• شکست الگوهای غیر اسلامی و رشد اسلام‌خواهی:

ظهور ایدئولوژی ناسیونالیستی بعد از فروپاشی امپراطوری اسلامی عثمانی و ایران، موجب شد به جای امت اسلامی، ناسیونالیسم ترکی، ایرانی و عرب در منطقه خاور میانه و شمال افریقا ظهور کند که آتاتورک، سلسله پهلوی و جمال عبدالناصر داعیه‌دار آن بودند، ولی هیچ‌یک نتوانستند به الگوهایی موفق برای حکومت‌داری تبدیل شوند. این امر در کنار شکست لیبرالیسم غربی که از جانب جوامع امریکایی و اروپایی تبلیغ می‌شد، موجب شد تا مسلمانان یکبار دیگر به مبادی اسلام روی آورند.

مقام معظم رهبری در خصوص شکست الگوهای مادی و جایگزینی اسلام به جای آن‌ها می‌فرماید: «گرایش‌ات اسلامی امروز ناشی از ناامیدی از الگوهای مادی در دنیای اسلام بوده و در عصر حاضر، روشنفکران دنیای اسلام، دل‌زده از سوسیالیسم و مکاتب غربی، به سمت اسلام گرایش پیدا کرده‌اند و ... علاج دردهای بشریت را از اسلام می‌طلبند». (بیانات رهبری در دیدار کارگزاران نظام و قشرهای مختلف مردم، ۱۳۸۴/۶/۱۱)

• احساس سرخوردگی، تحقیر تاریخی و بازگشت به هویت اسلامی:

استاد مطهری هویت اسلامی را عامل خیزش و بیداری مسلمانان در شرق و غرب می‌داند و معتقد است که مسلمانان پس از یک دوره فروختگی و از هم‌پاشیدگی ذهنی، بار دیگر در جستجوی هویت اسلامی خود در برابر غرب سرمایه‌داری و شرق کمونیستی برآمدند. (مطهری، ۱۳۷۷، ۶۱)

آیت الله خامنه‌ای نیز در این مورد می‌فرماید: «در طول سال‌های متمادی، دشمنان و مستکبران و اشغالگران و مداخله‌گران، ملت‌ها را استثمار کردند، در عین حال آن‌ها را تحقیر و ذلیل کردند، ملت‌های مظلوم به دنبال کرامت خود هستند. (بیانات رهبری در دیدار با مسئولان

نظام در روز عید مبعث، ۱۲۹۰/۴/۹) آن چیزی که مردم را به صحنه کشاند تا به صورت واضحی مسئله عزت و کرامت انسانی آن‌ها بود». (بیانات رهبری در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۰/۱/۱)

• تلاش شخصیت‌های بزرگ فکری، جهادی و جریان ساز اسلامی
 مقام معظم رهبری حضور شخصیت‌های فکری و جهادی بزرگ و جریان ساز اسلامی در مصر، عراق، ایران، هند و کشورهای دیگری از آسیا و آفریقا در صد و پنجاه سال اخیر را پیش زمینه‌های وضع کنونی دنیای اسلام دانسته (بیانات رهبری در سخنرانی افتتاحیه اجلاس بین المللی بیداری اسلامی، ۱۳۹۰/۶/۲۶) و علت قیام و خیزش اسلامی مصر و نقش تأثیرگذار این کشور در بیداری اسلامی را به دلیل وجود شخصیت‌های فکری، فرهنگی و جهادی مصر به شمار می‌آورند. (بیانات رهبری در خطبه عربی نماز جمعه، ۱۳۸۹/۱۱/۱۵)

۲-۳. علل برون‌زای بیداری اسلامی

• انقلاب اسلامی ایران

انقلاب اسلامی ایران، پس از پیروزی با ایجاد بستر و زمینه‌ای تاریخی، به نیروی اصلی تحولات تاریخی سه دهه گذشته جهان، به ویژه مسلمانان تبدیل شده است. (کچ.نیان، ۱۳۹۱: ۷۱)

این انقلاب با تقویت روحیه استکبارستیزی در ملل اسلامی و مستضعف و ایجاد اعتماد به نفس، فراهم آوردن زمینه‌های وحدت اسلامی و تقریب مذاهب، و حمایت از نهضت‌های اسلامی، نقش بسیار مهمی را در ظهور و پیشرفت این جریان ایفا کرده است. ایران با توجه به ویژگی‌های سیاسی، امنیتی و فرهنگی منابع قدرت، سیاست‌های خود را تحت تأثیر دو مؤلفه مهم واقعیت‌های ژئوپولیتیک و جهت‌گیری‌های ایدئولوژیکی به اجرا می‌گذارد (Menashri, 2007) و ماهیت اعتقادی و مردمی این انقلاب آن را به کانون الهام بخشی برای بیداری ملت‌ها تبدیل نموده است. گراهام فولر می‌گوید: «امام خمینی (ره) با انقلاب اسلامی نه تنها جامعه داخلی ایران و نه تنها منطقه خاورمیانه، بلکه کل جهان اسلام را متوجه خود ساخت». (۱۳۷۳: ۱۱۱)

صدور انقلاب از مهم‌ترین مبانی راهبردی نزد رهبری این نهضت است. امام خمینی (ره) به صراحت عنوان نمودند: «ما انقلابمان را به جهان صادر می‌کنیم». (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۲، ۱۴۸)

حضرت آیت الله خامنه‌ای بیشترین تأکید را به تأثیر انقلاب اسلامی به عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل ریشه‌ای و برون‌زای بیداری اسلامی می‌داند و اظهار می‌دارد: «ثبات و استمرار و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران از مهم‌ترین عواملی بوده است که ملت‌های منطقه و ملت‌های مسلمان را امیدوار کرده و می‌توان گفت نقش مؤثری در ایجاد حرکت عظیم اسلامی منطقه و آزادی و بیداری ایفا کرده است». (بیانات رهبری در دیدار با جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۰/۵/۱۹) از منظر ایشان پیروزی انقلاب اسلامی، حکومت جمهوری اسلامی ایران را به الگویی برای جریان‌های اسلام‌خواه مبدل کرده است. (بیانات رهبری در دیدار با جمعی از شعرا، ۱۳۹۰/۵/۲۴)

بدین ترتیب غلبه یافتن یک نظام اسلامی بر انواع توطئه‌ها و دخالت‌های سلطه‌جویان؛ و تحقق مردم‌سالاری اسلامی، به همراه دستاوردهای گوناگون علمی، فنی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصاد اسلامی در ایران اسلامی موجب شد برخی تحلیلگران غربی نیز از آن به عنوان یک «مدل موفق» در منطقه خاورمیانه یاد کنند. (گفتگو با میسون تری، ۱۳۹۰، اسلام تایمز)

• استعمار و حضور قدرت‌های غربی در منطقه

حضور گسترده نظامی غرب، به خصوص امریکا در منطقه، تلاش آن‌ها برای ترویج فرهنگ غربی در قالب طرح‌های اروپایی و امریکایی برای ایجاد تغییرات بنیادین فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در خاورمیانه و شمال آفریقا و نیز حمایت گسترده از رژیم‌های غرب‌گرای این مناطق در ذهنیت مسلمانان احساس نوعی تحقیر همراه با تلاش برای کسب هویت اسلامی و ایجاد جامعه‌ای عاری از نفوذ و سیطره غرب ایجاد کرده است که در قالب جنبش‌های اسلامی، ضد غربی و ضد حکومت‌های غرب‌گرا آشکار می‌شود.

امریکا با حضور گسترده در منطقه و اشغال نظامی دو کشور عراق و افغانستان، هم‌اکنون به عنوان نماد استعمار جدید در چشم مسلمانان نمایان شده است، به همین لحاظ این کشور منبع مهم انگیزه تشکیل و استمرار جریان‌های اسلامی قلمداد می‌شود. (دکمیان، ۱۳۷۷، ۴۱۴)

مقام رهبری در این باره میفرماید: «ملت‌های منطقه خاورمیانه، منطقه اسلامی و شمال آفریقا از ته دل از آمریکا متنفرند، چون در طول سال‌های متمادی از آمریکا در این منطقه خشونت دیده‌اند، دخالت نظامی دیده‌اند، حق کشتی دیده‌اند». (بیانات رهبری در بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۱۳۸۸/۳/۱۴) «امروز ملت‌ها می‌دانند که حضور نظامی و مسلح بیگانگان در هر منطقه‌ای مایه ناامنی آن منطقه است». (بیانات رهبری در دیدار پایگاه نیروی دریایی ارتش در بندرعباس، ۱/۵/۱۳۹۰)

• بحران فلسطین

مقام معظم رهبری از مسئله فلسطین با عنوان جراحت عمیق بر پیکر امت اسلامی (بیانات رهبری در خطبه نماز عید فطر، ۱۳۸۷/۷/۱۰) و خنجری در پهلوی کشورهای مسلمان منطقه (بیانات رهبری در سخنرانی افتتاحیه اجلاس بین‌المللی بیدلری اسلامی، ۱۳۹۰/۶/۲۶) یاد کرده‌اند. ایشان یکی از مبادی اصلی طغیان مسلمانان، رشد و گسترش حرکت اسلام‌گرایانه و موج جدید بیداری اسلامی را همین مسئله می‌دانند. (بیانات رهبری در دیدار با مسئولان نظام در روز میلاد پیامبر اکرم (ص)، ۲/۱۲/۱۳۸۹)

• وجود حکومت‌های فاسد، غرب‌گرا و غیر مردمی

وجود چنین حکومت‌هایی از سه جهت موجبات قیام ملت‌ها و بیداری اسلامی را فراهم آورده است: اول، ماهیت غیر مردمی این نوع حکومت‌ها که در نهایت آن‌ها را با بحران مشروعیت روبرو کرده است؛ دوم، وابستگی این حکومت‌ها به قدرت‌های غربی و شرقی که بحران هویت و تحقیر تاریخی را به توده‌های مردم تحمیل کرده، و سوم، فساد گسترده سیاسی، اقتصادی و اخلاقی که دامن‌گیر چنین نظام‌هایی شده است.

دکمیجان معتقد است، به طور تقریبی در تمامی کشورهای عربی، عدم صلاحیت و سوء حکومت‌نخبگان، توزیع بد ثروت و فراهم بودن پول حاصل از فروش نفت، شکاف میان طبقات اجتماعی را وسیع کرده و در همان حال، فساد و مصرف‌گرایی بی‌حد و حصری را میان فرمانروایان و عوامل آن‌ها رواج داده است. (دکمیجان، ۱۳۷۷، ۶۴)

مقام معظم رهبری، منشأ اصلی این مسئله را عقبه بین‌المللی این رژیم‌ها مطرح می‌کند و

می فرماید: « ملت‌ها فقط مشکل‌شان این نیست که با این دیکتاتور مواجه‌اند، با یک آدم مستبد مواجه‌اند، مشکل‌شان این است که این دیکتاتور عقبه‌ای از قدرت‌های بین‌المللی دارد، آن‌ها هستند که دارتد منافع این کشور و این ملت را پایمال و نابود می‌کنند». (بیانات رهبری در دیدار با مردم فارس، ۱۳۹۰/۲/۳)

۴. آسیب‌شناسی بیداری اسلامی

در تاریخ بسیاری از انقلاب‌ها و جنبش‌ها ملاحظه می‌شود که مصلحان و پیشگامان، در پیشبرد نهضت خود گام‌هایی مؤثر برداشته و آن را به پیروزی می‌رسانند، ولی پس از چندی از موفقیت باز مانده و در محقق ساختن اهداف انقلاب با شکست روبرو می‌شوند. این موضوع می‌تواند ناشی از آفت زدگی باشد که از درون و بیرون نهضت، از میان راه بر جسم و جان آن نشسته و مانع به بار نشستن آن شده است.

بنا بر این قاعده فلسفی که تاریخ تکرار می‌گردد، بسیاری از آفت‌ها و آسیب‌های مخاطره‌انگیز که مانع تحقق آرمان‌ها می‌شود، در نهضت‌های آغازین پس از حادثه عاشورا، و نیز جنبش‌های بیداری اسلامی در عصر کنونی مشترک بوده است. اما از آنجا که پدیده بیداری اسلامی در عصر حاضر برای استکبار جهانی و صهیونیسم اهمیت ویژه‌ای یافته و به دلیل خطری که از ناحیه آن احساس می‌کنند، بررسی و تحلیل آن را در دستور کار خود قرار داده و برای شناسایی، و یافتن راه‌های مقابله و به انزوا کشیدنش، تمام تلاش و همت خود را به کار بسته‌اند تا این حرکت را با چالش‌های جدی مواجه کنند، پرداختن به آفت‌ها و آسیب‌هایی که در دوره معاصر، این پدیده را تهدید می‌کند به منظور یافتن شیوه‌های برون رفت از آن، ضرورتی دوچندان دارد که جداگانه به آن‌ها اشاره خواهد شد.

۴-۱. مهم‌ترین آسیب‌های داخلی

جنبش بیداری اسلامی، مانند تمامی نهضت‌های اجتماعی، ممکن است از درون مورد تهدید قرار گیرد. ابعاد این تهدید می‌تواند عواملی چون عدم توانایی انقلاب در تأمین اهداف و خواسته‌های مردم، دوری از اصول و اهداف انقلاب، تن‌پروری و مصرف‌گرایی متولیان و مردم، فقدان عدالت اجتماعی و... باشد. (ر.ک: ملکوتیان، ۱۳۷۶، ۱۵۹) و ما به مهم‌ترین این موارد می‌پردازیم:

● فقدان رهبری شایسته

در هر حرکت سیاسی و اجتماعی، چیزی که نقش اول را دارد، نقش رهبری است. در آموزه های اسلام و به ویژه در مکتب تشیع به این موضوع توجه ویژه‌ای شده است. در اصل امامت شیعه، جامعه اسلامی در سایه یک رهبری با شرایط و اوصاف خاص می‌تواند به اهداف خود برسد، که از جمله آن‌ها: خدامحوری و دین‌مداری، ظلم‌ستیزی، عدم وابستگی به ستمگران و حاکمان جور، خلوص و صداقت، ایثار و جانفشانی، عدالت‌گستری، شجاعت، مهرورزی و مردم‌داری، علم و آگاهی و ... می‌باشد. پیامبر اسلام (ص) و امامان معصوم علیهم السلام هر یک تجلی این اوصاف بوده‌اند.

اولیویه روا می‌گوید: برخلاف اهل تسنن، شیعیان از یک سازمان و تشکیلاتی برخوردارند که می‌تواند عالم‌ترین و برترین مسلمان، یعنی رهبر و پیشوا را تعیین کند. (۱۹۹۲: ۳۵)

رهبری انقلاب اسلامی در ایران بهترین نمونه برای این حقیقت در عصر معاصر می‌باشد که هم در ایجاد نهضت و هم در حفظ و تداوم آن، با اتکا به نیروی ایمان و قدرت الهی، و بسیج گسترده مردم، مهم‌ترین نقش را در پیروزی ایفا نمود.

بدین ترتیب یکی از آفات جنبش‌های بیداری اسلامی در طول تاریخ، نبود رهبران جنبش با این ویژگی هاست تا هدایت درست و اثرگذار جماعت به پا خاسته را بر عهده گیرد.

● نداشتن آگاهی و تجربه کافی در زمینه مبارزه و تاکتیک‌های سیاسی، نظامی و جنگی

بدون شک داشتن آگاهی، بصیرت و تجربه کافی در زمینه تاکتیک‌های سیاسی و مبارزاتی، یکی از مهم‌ترین عوامل در پیروزی نهضت‌ها و هدایت و بسیج نیروهاست.

تجربه‌های موفقیت‌آمیز و پیروزی‌هایی که سال‌ها و ماه‌های اخیر نصیب جبهه‌های مقاومت اسلامی در لبنان، سوریه، یمن و عراق شده، به دلیل برخورداری از توان بالای اطلاعاتی، تجهیزات پیشرفته نظامی و استفاده شایسته از فناوری ارتباطات بوده است. و یکی از مهم‌ترین دلایلی که جمهوری اسلامی ایران را به یکی از قوی‌ترین کشورهای منطقه و جهان تبدیل کرده است همین توان تسلیحاتی و نظامی است.

بنابراین برعهده تمامی رهبران و مبارزان جنبش‌های بیداری است که خود را به نیرومندترین و مطمئن‌ترین سلاح در عرصه نظامی، سیاسی، فرهنگی، مجهز نموده و زیرکانه اهداف مبارزه را

پی گیرند تا به پیروزی نائل شوند.

• فقدان برنامه‌های اصلاحی و اجتماعی

از آفت‌های بسیار مهم یک جنبش عدالت‌خواه و حق طلب، نداشتن برنامه‌های اصلاحی و عدم ایجاد تغییر و تحول در ساختار حکومتی، اجتماعی، سیاسی و... موجود است. بنابراین، تا زمانی که یک انقلاب نتواند در جهت خواسته‌های به حق مردم گامی اساسی بردارد و با انجام اصلاحات و کوتاه کردن دست مفسدان اقتصادی و اجتماعی، فاصله طبقاتی را کم کرده و عدالت اجتماعی را برقرار نماید، نباید به تداوم پیروزی امید ورزد.

• عدم استفاده درست از ظرفیت‌های سیاسی، فرهنگی، نظامی و اقتصادی

استفاده نادرست از ظرفیت‌ها و توانایی‌های گوناگون، یکی دیگر از مواردی است که به تحقق اهداف اهمیت پیروزی و تحقق اهداف جنبش‌های بیداری اسلامی در عرصه بین الملل و منطقه برای تمامی کسانی که دل در گرو فراگیر شدن اسلام در سطح جهان، بسته‌اند به قدری واضح و مبرهن است که آنان را ملزم می‌دارد تا از تمامی ظرفیت‌ها و توان خود در این راستا نهایت استفاده را ببرند.

• عدم توجه به وحدت و یکپارچگی و اتکا به تعصبات فرقه‌ای و مذهبی

از بزرگ‌ترین آفت‌های نهضت‌ها و از جمله نهضت بیداری اسلامی در طول اعصار، دامن زدن به اختلافات فرقه‌ای و مذهبی است. جبهه دشمن پیوسته تلاش می‌کند تا از طریق متهم کردن مذاهب به مسائل غیر واقعی، مفهوم «وحدت فرق اسلامی» را در میان آنان تضعیف کند و با برجسته کردن نقاط اختلاف نظر میان آنان، نهضت آنان را به حاشیه کشاند. باید توجه داشت که بیداری اسلامی حاصل یک اندیشه کلی و حرکت اجتماعی است و پس از ظهور، با جزئیات و اختلاف سلیقه در باب موضوعات فرعی، سر و کار ندارد. بنا بر این وجود وحدت فکری در میان جوامع و فرق اسلامی ضرورت می‌یابد تا از نفوذ فکری بیگانگان و روش‌های سلطه جویانه آنان جلوگیری شود. امام خمینی (ره) در این رابطه فرموده است: «از ملی‌گرایی خطرناکتر و غم‌انگیزتر، ایجاد خلاف بین اهل سنت و جماعت، با شیعیان است و القای تبلیغات فتنه

انگیز و دشمنی ساز بین برادران اسلامی و ایمانی است». (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۳، ۲۰۹) و در سخنی دیگر می‌فرماید: «آن‌هایی که می‌خواهند بین اهل سنت و اهل تشیع فاصله ایجاد کنند نه سنی هستند و نه شیعه. این‌ها اصلاً به اسلام کار ندارند... قدرت‌های بزرگ فهمیدند که آن چیزی که آن‌ها را عقب زده است اسلام است و وحدت مسلمین و برادری بین همه گروه‌های اسلامی، از این جهت، از اینجا شروع کردند که این‌ها را به هم بزنند». (همان، ج ۱۴، ۳۸۱) بنابراین «مسلمانان برای این‌که بتوانند مسائل خود را به صورت جدی با جهان‌خواران حل کنند، باید خود را به مرز قدرت بزرگ جهانی برسانند، و این جز با همکاری و همدلی و اتحاد کشورهای اسلامی به دست نخواهد آمد». (بیانات رهبری در دیدار با سفرا و نمایندگان کشورهای اسلامی در تهران، ۱۳۸۹/۱۱/۲)

• وابستگی حکام کشورهای اسلامی

یکی از موانع و آفات پیش روی نهضت‌های بیداری، حاکمان و سران کشورهای اسلامی است. حاکمانی که دچار خودباختگی می‌شوند و استقلال و عزت ملت‌ها را برای بقای خود به تاراج می‌گذارند. آنان در جهت منافع خود به نقض معیارهای مردم سالاری پرداخته و در کنار فشارهای سلطه‌گران خارجی، سدی در برابر اقتدار و انسجام مردم انقلابی خواهند شد. (ر.ک: هانتینگتون، ۱۳۸۱: ۲۱۷)

آن‌چه که هم اکنون بوضوح مشاهده می‌کنیم آن است که اغلب حکومت‌های منطقه، چون منتخب مردم نیستند، به خاطر فقدان حمایت از طرف آنان دچار بی‌ثباتی شده و از این موضوع رنج می‌برند. لذا برای جبران، سعی در جلب حمایت دولت‌های قدرتمند می‌کنند و این موضوع زمینه را برای گسترش اعتراض‌های سیاسی و شدت بخشیدن به بحران داخلی بیشتر فراهم می‌آورد.

امام خمینی (ره) در مورد این آفت در عصر کنونی فرمودند: «این حکومت‌ها هستند که بواسطه روابطشان با ابرقدرت‌ها و سرسپردگی‌شان با ابرقدرت‌های چپ و راست مشکلات را برای ما و همه مسلمین ایجاد کرده‌اند اگر این مشکل از پیش پای مسلمین برداشته بشود، مسلمین به آمال خودشان خواهند رسید و راه حلش با دست ملت‌هاست». (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۲، ۲۷۸)

• جمود و تحجّر

از مهم‌ترین آسیب‌هایی که بیداری اسلامی را در طول تاریخ اسلام مورد مخاطره قرار داده است، برخورد متحجرانه با دین است. این آفت موجب می‌شود راه اجتهاد و فهم دین بسته شود و قابلیت اجرای احکام و شریعت اسلام، منحصر به زمان و مکان خاصی معرفی شود. این آفت از زمان رحلت پیامبر (ص) تا اکنون همچنان جامعیت اسلام را مورد مخاطره قرار داده و نهضت‌های اسلام‌گرایانه را با مشکلات جدی مواجه کرده است.

همان‌طور که حرکت‌های افراطی و متحجرانه برخی از گروه‌ها، مانند طالبان و القاعده و گروه تکفیری داعش در عصر ما، سبب شده تا آنچه از اسلام به جهان معرفی می‌شود تصویری خشن و بی‌رحمانه باشد که عاری از هرگونه شفقت و نجات‌بخشی یک آیین رحمانی است. و این موضوع علاوه بر خسارات مادی فراوانی که بر پیکره اسلام وارد کرده است از جهت بی‌اعتبارکردن اسلام در نگاه بشریت، بسیار دردناکتر است.

• ایجاد انحراف در جریان بیداری اسلامی

یکی از آسیب‌هایی که بیداری اسلامی را در میان توده‌ها به چالش می‌کشد، انحراف از جهت اصلی انقلاب و بیراهه رفتن آن‌هاست. از نشانه‌های این انحراف آن است که اموری که باید در رآس اولویت‌های اهداف یک قیام قرار گیرد به حاشیه کشیده شده و امور بی‌اهمیت، فرصت‌ها و تلاش‌ها را به خود اختصاص دهد. و از دیگر نشانه‌های آن این است که به دنبال احساس پیروزی و راحتی خیال ناشی از آن، انگیزه‌ها و اراده‌ها سست شده و افراد به جای پرداختن به اهداف اصلی حرکت، درصدد تصاحب سهم بیشتری از دستاوردها باشند.

آیت الله خامنه‌ای در این باره می‌فرماید: «انحراف در انقلاب‌ها از انحراف در شعارها و هدف‌ها آغاز می‌شود. (بیانات رهبری در سخنرانی افتتاحیه اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، ۱۳۹۰/۶/۲۶)

گاهی این انحراف از جانب قشر به ظاهر مذهبی و به تعبیر امام خمینی (ره) روحانی‌نماهای وابسته به قدرت و وعاظ السلاطین ایجاد می‌شود (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۲، ۲۸۶) و گاهی از جانب روشنفکران غربگرا و خودباخته و یا بی‌اطلاع از اسلام. (همان، ج ۱۳، ۸۴-۸۳)

• شتاب‌زدگی در حصول نتیجه و بی‌توجهی به شرایط موجود

دکتر علوان نیز یکی از مهم‌ترین آسیب‌های بیداری اسلامی در عصر کنونی را، شتاب‌زدگی جوانان در دست‌یابی به نتیجه، پیش از رعایت آداب و اصول نهضت برمی‌شمارد. به اعتقاد او چنین اتفاقی آنان را دچار سخت‌ترین عواقب می‌کند. و بدتر از آن این است که جوانان بدون آمادگی و برنامه ریزی و فراهم آوردن مقدمات وارد عمل شده و دست به تبلیغ نهضت بزنند. (علوان، ۱۴۲۲، ۲۰)

۴-۲. آسیب‌های خارجی

- استکبار جهانی

از مهم‌ترین آسیب‌های خارجی، خطری است که از جانب ابرقدرت‌ها بیداری اسلامی را تهدید می‌کند. از آنجا که بیشترین ضررها متوجه آن‌ها بوده و در پی بیداری جوامع، منافعشان به خطر افتاده است، تمام کوشش و همت خود را به این امر معطوف می‌دارند که نگذارند اهداف این جنبش‌ها محقق شود.

مطالعه تاریخ نشان می‌دهد این آسیب همه قیام‌های عدالت‌خواهانه اسلام را از صدر اسلام تا کنون مورد مخاطره قرار داده و خواهد داد. جنبش‌های بیداری اسلامی در عصر معاصر نیز پیوسته از جانب استکبار جهانی تحت فشار هستند.

امریکا با بهره‌گیری از مشکلات موجود در خاورمیانه در صدد بقای اسرائیل، تکمیل روند صلح خاورمیانه و جلوگیری از شکست آن، دسترسی به نفت، ممانعت از ظهور یک دشمن مسلط یا گروه‌های همسوی مخالف منطقه‌ای و... است. (جهان بین و پرتو، ۱۳۹۱: ۱۲۸)

مقام معظم رهبری خطر استکبار را این‌گونه بیان می‌کند: «مطالعه بیداری اسلامی و بررسی و تجزیه و تحلیل آن، از مدت‌ها پیش در دستور کار قدرت‌هایی قرار گرفته که از آن احساس بیم و هراس داشته‌اند و هم اینان برای فهم و شناسایی بیداری اسلامی و یافتن راه‌های مقابله با این حرکت در تلاش هستند که این پیشرفت و بیداری امت اسلام در جهان را سرکوب و خاموش کنند که بتوانند بر آن‌ها حکومت نمایند». (بیانات رهبری در دیدار مسئولان و کارگزاران حج،

(۱۳۸۹/۷/۱۷)

- مسئله فلسطین و اسرائیل

یکی از عوامل اصلی شکل‌گیری جنبش‌های بیداری در عصر حاضر، مسئله فلسطین و صهیونیسم است. سعی امریکا و استکبار جهانی بر این است که با راهبردها و ترفندهای گوناگون این موضوع را که تبدیل به یک چالش مهم برای او شده است از پیش پای خود بردارد. لذا در تمامی عرصه‌های سیاسی و نظامی و بین‌المللی جانب رژیم غاصب صهیونیستی را گرفته و با حمایت بی دریغ خود از آن، جبهه بیداری اسلامی را تحت فشار قرار می‌دهد.

امام خمینی (ره) خطر صهیونیسم و اسرائیل را اینگونه بیان کرده است: اسرائیل مثل غده سرطانی می‌ماند که اگر آن را ریشه‌کن نکنیم باعث مرگ آرام و خاموش جهان اسلام می‌گردد، هرگونه رابطه با آن حرام است. اندیشه صهیونیسم نژادپرستانه و ضد اسلام و انسان است، اسرائیل نوک پیکان مبارزه غرب با اسلام است، این جنگ نبرد بین اعراب و اسرائیل نیست بلکه نبرد بین اسلام و صهیونیسم و غرب است... صهیونیسم از طریق ایجاد شبکه‌های مخفی و فرقه‌سازی در جهان اسلام مشغول غارت و چپاول ثروت‌های منطقه است هم ثرون‌های مادی و هم معنوی، تنها راه شکست آن بازگشت به خویشستن و هویت اصیل اسلامی است. (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱، ۱۳۹)

- نفوذ فرهنگ غربی و الگوسازی آن

غربی‌ها برای حفظ منافع خود در منطقه شرق و خاورمیانه سعی می‌کنند با بهره‌گیری از شیوه‌های مختلف، فرهنگ غنی اسلام را مورد تهاجم قرار داده و سنت‌ها و هنجارهای مسلمانان را تحقیر و تخطئه کنند تا به این وسیله دست به الگوسازی متناسب با ارزش‌های خود بزنند. از این رو با صرف هزینه‌های گزاف تبلیغاتی و استفاده از هنر، ادبیات، فیلم و سینما، فلسفه و... سلطه خود را بر منطقه حفظ می‌کنند و به راحتی دامنه چپاولات مادی و معنوی خویش را توسعه می‌دهند. به ویژه این که «ملت‌ها هم دستشان خالی است و الگو و نمونه‌ای که بتوانند در مقابله با آن‌چه که آن‌ها می‌آورند، از خودشان نشان بدهند، ندارند». (بیانات رهبری در دیدار مداحان به مناسبت میلاد حضرت فاطمه (س)، ۱۳۸۳/۵/۱۷) و این موضوع یکی از بزرگترین آفت‌های بیداری اسلامی در میان جوامع است.

از نظر آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) بلای دیگری که سلامت جوامع اسلامی، به ویژه

جوانان را تهدید می‌کند تهاجم فرهنگی غرب است. امواج صوتی، تصویری حامل ابتذال، بدتر و نافذتر از کشتی‌ها و هواپیماهای جنگی، برای سلطه مجدد دشمنان جهانی اسلام، زمینه‌سازی می‌کنند و با ترویج ارزش‌های کاذب، غرب‌گرایی را که موجب ذلت و اسارت مسلمانان است تبلیغ می‌نمایند. (بیانات رهبری در پیام به کنفرانس بین‌المجالس اسلامی، ۱۳۷۸/۳/۲۵)

- دامن زدن به جریان‌های سلفی‌گری

جریان‌های سلفی بر طیف وسیعی از جریان‌های اسلامی اهل سنت گفته می‌شود که در پی بازگشت به شیوه پیشوایان خود در سده‌های نخستین اسلام هستند و می‌توان آنان را به چند جریان مختلف، از جمله: وهابیت تکفیری عربستان، دیوبندیان شبه قاره هند، سلفی‌های تکفیری-جهادی مصر و ... تقسیم کرد.

این جریان‌ها با استفاده از اندیشه‌های تکفیری و مخرب افرادی مانند ابن تیمیه (۱۳۲۸-۱۲۶۳م) و منابع مالی وسیعی که شبکه‌های وهابیت در اختیار آنان قرار می‌دهد سازماندهی گسترده‌ترین شبکه تروریستی جهان (القاعده) را در اختیار دارند که به دلیل استفاده از اشکال مختلف ایجاد خشونت نظیر « تروریسم انتحاری»، نماینده شاخص « تروریسم نوین» در دوران معاصر به حساب می‌آید. (سیدنژاد، ۱۳۸۹، ۱۰۰)

استکبار جهانی تمام تلاش خود را می‌کند تا از شرایط بحرانی موجود در منطقه بیشترین بهره برداری را کرده و با حمایت از حکومت‌های وابسته‌ای مانند عربستان و قطر، دلارهای بی‌شمار نفتی در اختیار این شبکه‌ها قرار گیرد و آن‌ها بتوانند با فراهم آوردن مخوف‌ترین و پیشرفته‌ترین تجهیزات نظامی و اطلاعاتی، به سرکوب مسلمانان، به ویژه شیعیان بحرین، عربستان، عراق، یمن و ... پردازند و با تضعیف دولت‌ها و حکومت‌های شیعی، جریان بیداری اسلامی را متوقف سازند و این امر یکی از مهم‌ترین آسیب‌های پیش روی بیداری اسلامی در عصر حاضر است.

۵. نتیجه‌گیری

بیداری اسلامی جریانی است متأثر از تحولات فکری، سیاسی و مذهبی که ریشه در تاریخ اسلام دارد. نخستین بروز آن در زمان صدر اسلام رخ داده و مهم‌ترین نمونه آن در قیام عاشورا متجلی شده و در طول روزگاران مراحل تکاملی خود را طی کرده است.

دنیای اسلام در دو قرن گذشته نیز شاهد ظهور جریان‌های فکری و سیاسی زیادی بوده که عمدتاً در پاسخ به اوضاع بحرانی کشورهای اسلامی شکل گرفتند، و آن بدین سبب بوده است که پس از گسترش نفوذ غرب بر جوامع اسلامی، یک نوع آگاهی در میان مسلمانان به منظور کسب استقلال از غرب شکل گرفت و اندیشمندان، برای حفظ هویت اسلامی وارد عرصه عمل شده و مردم را برای رهایی از این وضع آگاه نمودند. در این راستا جنبش بیداری اسلامی به عنوان رخدادی متمایز در جهان اسلام، تحولات سیاسی، اجتماعی بسیاری را در دنیای معاصر رقم زد و امید زیادی را در کشورهای اسلامی و در بین مسلمانان برای ادامه زندگی عزتمندانه و آزادانه ایجاد کرد.

این تحولات فراگیر، غرب را واداشت تا با ابزارهای گوناگون و با تمام قوا، به بررسی و تحلیل بیداری اسلامی دست زده و برای رویارویی با آن، نقاط ضعف و قوت آن را شناسایی کند و موانع و مخاطراتی را در مسیر پیشرفت آن قرار دهد.

در تاریخ بسیاری از نهضت‌ها دیده می‌شود که گام‌های اولیه را در براندازی حاکمیت فاسد و ستمگر، با موفقیت برداشته، ولی در تحقق اهداف خود که بنای یک جامعه مطلوب است باز مانده‌اند. این امر ناشی از آفات و موانعی است که از درون و برون به آن‌ها آسیب رسانده است.

در این مقاله تلاش کردیم مهم‌ترین این آسیب‌ها را شناسایی کنیم. شناخت این آفات بدان جهت ضروری است که در سایه آن می‌توان راه‌های برون رفت از مخاطرات و تهدیدات را یافته و با آگاهی از راهبردهای دشمنان در پی اثر کردن این جریان، با توانایی بیشتری، مانع از سرگیری نظام سلطه شد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بیداری اسلامی از آسیب‌های درونی مانند: فقدان رهبری شایسته؛ عدم تجربه کافی در زمینه مبارزه؛ فقدان برنامه‌های اصلاحی؛ عدم بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌ها؛ بی‌توجهی به وحدت کلمه و اتکا به تعصبات؛ وابستگی حاکمان؛ جمود و تحجر؛ انحراف در جریان بیداری و شتاب زدگی در حصول نتیجه... و نیز آسیب‌های بیرونی مانند: استکبار جهانی؛ مسئله فلسطین و اسرائیل؛ نفوذ فرهنگ غربی و جریان سلفی‌گری... در رنج است.

بنابراین برای مقابله با آسیب‌های مذکور، توجه به اقدامات زیر پیشنهاد می‌شود:

- توجه به معیارهای اسلام ناب محمدی در انتخاب رهبری مناسب برای جنبش و تأسی به نهضت‌هایی که با رهبری شایسته به پیروزی رسیده‌اند.
- تلاش در اجرای تمام عیار شریعت اسلام.
- دوری از جمود و تحجّر و پرهیز از فرقه‌گرایی.
- تقویت و افزایش توان سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در رویارویی با معاندان.
- پرهیز از جریان‌های انحرافی.
- پاکسازی نهضت از عوامل وابسته و خودباخته.
- تکیه بر نیروی مردمی و تقویت بسیج عمومی.
- به کارگیری دیپلماسی فعال در منطقه و ایجاد همگرایی منطقه‌ای.
- تقویت مقاومت اسلامی و دفاع از آن در سراسر جهان.

منابع و مآخذ

۱. آلترمن، جان بی؛ (۱۳۹۵). افراط‌گرایی مذهبی پس از قیام‌های عربی، مترجمان: امیر فاطمی صدر، ابوالقاسم راه‌جمنی و جمیله کوکبی، تهران، نشر بین‌المللی الهدی.
۲. اخوان کاظمی، بهرام و مشتاقی، الله کرم؛ (۱۳۹۲). «بیداری اسلامی و علل آن با تأکید بر نظرات مقام معظم رهبری»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات جهان اسلام، شماره ۱، ۶۱-۳۱.
۳. امام خمینی، سید روح‌الله؛ (۱۳۶۱). صحیفه نور (مجموعه آثار امام خمینی)، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴. جهان‌بین، فرزاد و فتح‌الله پرتو؛ (۱۳۹۱). «راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال جنبش بیداری اسلامی اخیر»، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، ش ۳، ۱۴۳-۱۱۷.
۵. دکميجان، هراير؛ (۱۳۷۷). اسلام در انقلاب؛ جنبش‌های اسلامی در دنیای عرب، ترجمه حمید احمدی، تهران، انتشارات کیهان.
۶. روا، اولیویه؛ (۱۹۹۲). «ایران، تشیع و انقلاب»، مجموعه مقالات اندیشمندان علوم اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران، ترجمه: محمد باقر خرمشاد، تهران، مرکز باز‌شناسی اسلام و ایران، انتشارات باز.
۷. سید نژاد، باقر؛ (۱۳۸۹). «سلفی‌گری در عراق و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره اول، ۱۲۲-۹۵.
۸. علوان، عبدالله ناصح؛ (۱۴۲۲). ماذا عن الصحوة الإسلامية، قاهره، نشر دارالسلام.
۹. کچوئیان، حسین؛ (۱۳۹۱). انقلاب اسلامی ایران و افتتاح تاریخ، بیداری اسلامی در بهار عربی، تهران، سوره مهر.
۱۰. گراهام فولر؛ (۱۳۷۳). قبله عالم، ژئوپلیتیک ایران، ترجمه عباس رنجبر، تهران، نشر مرکز.
۱۱. محمدی، محسن (۱۳۹۳). جریان‌شناسی نهضت‌های اسلامی در جهان اسلام- با تمرکز بر بیداری اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا، نشریه پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۶، ۱۳۳-۱۰۵.

۱۲. مطهری، مرتضی؛ (۱۳۷۷). نهضت‌های صد ساله اخیر، تهران، انتشارات صدرا.
۱۳. ملکوتیان، مصطفی؛ (۱۳۷۶). سیری در نظریه‌های انقلاب، تهران، نشر قومس.
۱۴. ولایتی، علی اکبر؛ (۱۳۹۰). بیداری اسلامی، بی‌نا.
۱۵. _____؛ (۱۳۸۲). پویایی فرهنگ و تمدن اسلام در ایران، تهران، مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت امور خارجه.
۱۶. هانتینگتون، ساموئل؛ (۱۳۸۱). موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم، ترجمه: احمد شهسا، تهران، انتشارات روزنه
17. Menashri, David, (2007). "Iran's Regional" Policy: Between Radicalism and Pragmatism; Journal of International Affairs Vol. 60, No.2, spring/summer.
18. Nord Land & Kirk Patrick, (2011), "Islamists. Growing Sway Raises Question for Libya", New York Times (September 14)

سایت

۱۹. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری <http://WWW.Leader.ir>
۲۰. میسون، تیری (۱۳۹۰)، نشریه اسلام تایمز: گفتگو با متفکر فرانسوی. <http://www.islamtimes.org/vdcb9sb9.rhb9gpiur.html>

پیغام
اسلامی